

«آزادی بیان» زیر منگنه دفاع از اسرائیل

خالد حاج محمدی

جنگ در فلسطین و اسرائیل که با حمله وسیع و غافلگیرانه حماس و ضد حمله اسرائیل وارد دوره جدید و ابعاد بی سابقه و خطرناکی شده، زیر سایه نقش دولتهای غربی، برای هزارمین بار پرده از ادعای دروغین دول غربی در دفاع از آزادی، حقوق شهروندی و آزادی اعتراض و تجمع و بیان را برملا و ماهیت این دولتها و ضدیت آنها را با هر نوع آزادی عقیده و بیان و تجمع را حتی در شکل محدود کنونی آن، در خود غرب بی پرده و زمخت نمایان ساخت.

آنچه امروز شاهدش هستیم، حمایت همه جانبه و شراکت مستقیم این دولتها در این جنگ به نفع اسرائیل با تامین هزینه ماشین جنگی این کشور، تامین مالی و لجستیکی این جنگ و در خدمت قرار گرفتن رسانه های آنها به عنوان ابزار جنگی است، که هدف خود را پاکسازی کامل فلسطینیان، کشتار همه جانبه آنها و توجیه آن به نام مبارزه با «تروریسم حماس» است. دامنه تبلیغات نژاد پرستانه، ضد انسانی، جنگ طلبانه، دروغ و ریا به نقطه اوج خود رسیده است. امروز رسانه های غربی، روسای دولتهایشان و ابزار نظرات رسمی آنها در توجیه جنایت و توحش، تشویق و تحریک به کشتار فلسطینی ها به نام مبارزه با حماس، با هیچ معیار و مقیاسی، مویی با تبلیغات وزیر جنگ اسرائیل، نتانیاهو، نفتالی بنت و ... فاصله ندارد.

همگی هر کدام گوشه ای از ماشین جنگی را تغذیه میکنند. در اسرائیل عرب ستیزی را دامن میزنند، جنایت و آدم کشی را افتخار، کشتن همه فلسطینی ها حتی کودکان و مردم بی دفاع و ویران کردن همه امکانات زندگی را تقدیس و خاطیان را حافظ «امنیت» اسرائیل و کل منطقه نام میرند و در جهان این توحش را به نام مبارزه با تروریسم به مردم حقنه می کنند.

فعلا و در کوتاه مدت میخواهند، نوار غزه به یک کوره آدم سوزی بزرگ برای نابودی دو میلیون انسان تبدیل شود که اکنون آب، برق، دارو و مواد غذایی، سوخت و حتی راه قرار را بر آنها بسته اند و از زمین هوا بمباران میشود. اما حامیان و عاملین و فرماندهان این بربریت، نه آدولف هیتلر و نه گوبلز، بلکه هیئت حاکمه اسرائیل و روسای دولتهای بزرگ جهان غرب از آمریکا، انگلستان تا آلمان و فرانسه و ... هستند. قرار است بعد از کشتار و شخم زدن و با خاک یکسان کردن نوار غزه، این بخش به عنوان «آزاد سازی از دست تروریسم حماس» ضمیمه اسرائیل شود. بی تردید بعدی نیست این برنامه و در نیمه راه کشتار مردم محروم و زیر فشار افکار عمومی و با ریکاری و دروغ و به نام «احترام به حقوق بشر»، رئیس سازمان ملل را به عنوان کدخدا و کشیش دم دست و آماده به خدمت، مامور کنند و اعلام کنند راهی برای خالی کردن نوار غزه از ... صفحه ۲ه

- کارگران جهان متحد شوید! -

به این سیکل جنایت پایان دهیم

(در مورد جنگ اسرائیل و فلسطین)

حمله وسیع و غافلگیرانه «طوفان الاقصی» حماس به اسرائیل در روز شنبه ۷ اکتبر ۲۰۲۳، بزرگترین حمله نظامی نیروهای فلسطینی بعد از جنگ «عرب و اسرائیل» در سال ۱۹۷۳، دامنه وسیع آن، تسخیر بسیاری از مراکز نیروهای نظامی اسرائیلی و بازپس گیری مناطق وسیعی از سرزمین های اشغالی در مرز نوار غزه، نه تنها دولت اسرائیل بلکه جهانیان را غافلگیر کرد. این حمله صحنه سیاسی خاورمیانه و جهان را تحت تاثیر خود قرار داد و معضل فلسطین، مسئله سرنوشت مردم فلسطین و آینده آن را، یکبار دیگر در مقابل جهانیان گذاشت. با حمله اسرائیل به نوار غزه این جنگ وارد مرحله ای خونین تر و فاجعه بارتر شده است. ... صفحه ۳ه

به همدرد و همسرنوشت من دست نزن!

مردم آزادیخواه!

این روزها از گوشه و کنار ایران اخباری از تعرض به مهاجرین و پناهندگان افغانستان منتشر میشود. آمار این تعرض ها هرچقدر باشد، حتی اگر یک مورد هم بوده باشد، برای جامعه ای که به خاطر آزادی و برابری، برای رفاه و صلح و شادی علیه یک حکومت ضدبشری بپاخواست است، مایه شرم ساری است! ... صفحه ۲ه

ترسوهای یکبار مصرف!

فواد عبداللہی

«نباید در مردم توقعاتی ایجاد کرد که نتوانیم به آن پاسخ دهیم. اکنون توقعات بازنشستگان، معلمان و ایثارگران را نگاه کنید. همه نیز حق دارند. اما امکانات محدود است. نمایندگان باید برای مردم تبیین کنند که کشور محدودیت هایی دارند. توقعات را پایین بیاورید. توقع آفرینی یکی از برنامه هایی است که دشمن در کشور دنبال می کند.»

اینها شلنگ تخته های جناب مصطفی میرسلیم، رئیس شورای مرکزی «حزب» مؤتلفه اسلامی در اجلاس سراسری این «حزب» است. چماق «توقعات را پایین بیاورید» و به درد بی درمان فقر و نداری و نابرابری در نظام جمهوری اسلامی قناعت کنید، شاید در دهه ۶۰ و به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی کارایی داشت. اما امروز دهنکجی به توقعات مردم، این دشمن اصلی، که گلوی نظام یکبار مصرف آقایان را در همه سطوح می فشارد، بازی با آتش است. دشمن واقعی نظام اسلامی همان زنان و مردانی هستند که امروز به کم رضایت می دهند. «تبیین» دوباره قوانین عبور و مرور از خط قرمزهای نظام، بویژه در امور معیشتی و اقتصادی که پای یک طبقه کارگر صنعتی و غول پیکر در وسط است، تف سربالاست. میلیون ها انسان دردمند و محروم از ابتدایی ترین حقوق و امکانات اجتماعی و رفاهی به چهل سال فقر تحت سیطره قوانین اسلامی محکوم شدند و امروز قاطعانه حکم به رفتن این نظام ارتجاعی داده اند. ... صفحه ۳ه

فاجعه زلزله و همدردی با مردم افغانستان

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

تردیدی در این نیست که اصلی ترین عامل تحریک علیه این بخش از شهروندان که از فقر و بی حقوقی و جهمی که طالبان برایشان ساخته است ناچار به زندگی در ایران شده اند، جمهوری اسلامی است که در رفتار ضدانسانی و نژادپرستانه و فاشیستی با فراریان از افغانستان، سابقه ای چند دهه دارد. تردیدی در این نیست که در سطح تبلیغات، پاپیای رسانه های جمهوری اسلامی رسانه های راست در، اپوزیسیون نیز تلاش میکنند که بر آتش دشمنی و کینه نژادپرستانه علیه این بخش از شهروندان بدمند و کوره آن را داغ نگاه دارند!

جمهوری اسلامی اول تحریک میکند، بعد بعنوان حافظ «امنیت» مردم، علیه آنها عمل میکند! در عین حال با تحریکاتش دست آتش به اختیاران تحریک شده را هم باز میگذارد تا همدردان و همسرنوشتان خود را بزنند! چرا که «خارجی» و «افغانستانی» اند. مردم ایران رابطه جمهوری اسلامی با فقر و تباهی نسل های پی در پی فراریان از افغانستان به ایران را میدانند و آنرا در هر دم و بازدم حیات اجتماعی خود، منعکس کرده است. کمک به و حمایت از «کودکان افغان» امروز به بخشی از «فولکلور» مردم در ایران تبدیل شده است. از این رو، این ناآگاهی و نادانی و قدرت جنبش نژادپرستانه در ایران نیست که اجازه تعرض به همدردان و همسرنوشتان افغانستانی میدهد! این کمپینی نژاد پرستانه و ضد انسانی، برای تفرقه و تغییر موقعیت همسرنوشتان با هم است. جایی که ظاهرا مقامات و مسئولین و دست اندرکاران جمهوری اسلامی همسرنوشت مردم در ایران و حافظ «امنیت» آنها هستند و افغانستانی هایی که بی پناهی و محرومیت کودکانشان درد جامعه ایران است، کسانی که محرومترین و ضعیف ترین بخش طبقه کارگر و اقشار پایین جامعه را رقم میزنند، دشمن! تغییر جای دوست و دشمن، جوهر این کمپین کثیف ضد افغانستانی است به پنهان این و آن جرم معمولی که ممکن است از هر بخش از جامعه سریزند! به تبلیغاتشان نگاه کنید!

مشتی فاشیست نژادپرست نشسته بر مسند قضاوت و حکومت، که طی یک سال گذشته لشکری از جوانان و نوجوانان را یا ترور کردند و یا سر به نیست، تلاش میکنند با سو استفاده از «رنگ» و «نژاد» و «زبان» این و آن «خاطی» یا «مجرم»، خود را بعنوان حافظ «امنیت» جامعه قالب کنند! دزدان و قاتلان و جانپانی که هریک اختلاس های صدها هزار میلیاردی و کشتن هزاران نفر از مردم در ایران را در پرونده دارند، بعنوان مامور «قانون» انگشت اتهام مجرمیت را بسوی

مردم آزادیخواه ایران!
بانی و شروع کننده این کمپین کثیف که بیش از همه دشمنان مان در قدرت از آن سود میبرند هر کس و هر جریانی باشد مسئولیت پایان دادن به آن با ما است! با همگی ما است! مایی که توانستیم حجاب و قوانین ضدبشری اسلام علیه مان را عقب بزنیم! مایی که توانستیم حق اعتصاب و اجتماع و اعتراض و حسابرسی از مشتت اوپاش حاکم را عملا تحمیل کنیم، باید بتوانیم عملا در مقابل این موج کثیف ضدافغانستانی سدی ببندیم و به آن پایان دهیم! نباید گذاشت در هیچ محله و محل کاری، در هیچ مدرسه و کوچه و خیابانی، هیچ جمع و فرد تحریک شده، هیچ فرد چاقوکش و مزد بگیر فاشیست و نژاد پرستی، دست به روی همسایگان و همسرنوشتان ما با توجیه پیشینه افغانستانی دارد کنند.

این سیاست های نژادپرستانه و ضدافغانستانی حکومت است که عمری از بی حقوقی میلیون ها نفر از آنها، از بزرگ و کوچک، زن و مرد و سالمند و بیمار، سواستفاده کرد. آنها را به کارهای شاق و کثیف و بی حقوق کشاند! آنها را در جبهه ها به کشتن داد و هرگاه فشار پایین رویش زیاد بود، انگشت اتهام و نشانه را به سوی این بخش از محروم ترین کارکنان جامعه دراز کرد و علیه شان تحریک کرد، نباید امروز بتواند کمترین معنی عملی داشته باشد!

به هم سرنوشت و همدرد من دست نزن! به برادران و خواهران من، با پیشینه افغانستانی یا عراقی یا بدون آن، سنگ نزن! این پیام جامعه ایران است که متناسب است با «فولکلور» حمایتی آن از «کودکان افغان»! متناسب است با واقعیت نزدیکی و همسرنوشتی زنان در هر دو جغرافیا که قربانی توحش اسلامی یک خانواده اند. باید راه پایان دادن به آن را باز کرد!

رفقای کارگر، کمونیست ها، پیشروان جامعه!

این بیش از هر کس به نقش شما و همت شما برای دخالت و پاپیش گذاشتن در مقابل این کمپین نژادپرستانه، مربوط میشود! جامعه به شما نگاه میکند و پاسخ شما را میخواهد! اقدام و نقشه عمل شما را میخواهد!

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ مهر ۱۴۰۲ - ۸ اکتبر ۲۰۲۳

آزادی بیان زیر منگنه...

آنانی که هنوز زنده مانده اند به مصر تحت نام کریدور «بشردوستانه»، تامین و در عمل منطقه را به قول وزیر اسرائیل از «حیوانات» پاک و نیروهای اسرائیل مستقر و این بخش را ضمیمه اسرائیل کنند.

اما این کل ماجرا نیست! داستان در حقیقت، بستن دهان هر انسان آزادیخواه و هر رسانه غیردولتی و غیر قانونی کردن هر تجمع انسانی در اعتراض به این توحش و این نسل کشی در خود جوامع غربی به نام «حمایت از تروریسم» است. زمان جنگ ویتنام خیانت های شهرهای بزرگ جهان و از جمله اروپا روزانه میدان اعتراض به جنایت در ویتنام بود. در حمله به عراق و کشتار یک میلیون انسان، خیابانهای پاریس، لندن، برلین، مادرید، رم و استکهلم و حتی شهرهای بزرگ آمریکا محل تجمع و تظاهرات متمد مردم در اعتراض به حمله نظامی بود. امروز تصمیم گرفته اند زبانها را بزنند، دهانها را ببندند و گلوئی معترضین را بفشارند و حق بیان و اعتراض را جنایی کنند. دامنه بی شرمی در این زمینه دیگر به جایی رسیده است، که دیکتاتورهای مشهور جهان در کنار روسای ممالک اروپایی، کوچک و لیبرال به نظر میرسند.

این یک تعرض وسیع به حقوق رسمی و تاریخی و دستاوردهای بشر و طبقه کارگر در اروپا و کشورهای غربی است. دستاوردهایی که در نتیجه تلاش صدها سال و مبارزات طبقه کارگر، زنان و مردم متمدن جهان تامین شده است. حمله حماس بهانه ای شده است که در غرب «متمدن»، در اروپا، در فرانسه و انگلستان و آلمان و... عریبه کشی راست افراطی و گروههای فاشیستی که به حاشیه رانده شده بودند، از تریبون دولتها و توسط مقامات رسمی از رسانه ها اعلام و قانون قلمداد شود. صدای نتانیاهو و وزیر جنگ فاشیست اسرائیل امروز توسط بایدن، اولاف شولتس، مکرون، ریشی سوناگ و ... و به نام روسای این ممالک تحویل جامعه داده میشود.

توجه کنید که در غرب، در اروپا، هر نوع اعتراضی به جنایت اسرائیل را جرم محسوب کرده اند. تظاهرات علیه جنایت و نسل کشی اسرائیل در فلسطین، در پاریس توسط دولت و پلیس آن کشور ملغی و غیر قانونی اعلام شد. صدر اعظم آلمان اعلام کرده است که هر تظاهرات و تجمعی در این کشور و بلند کردن پرچم فلسطین میتواند پیگرد قانونی داشته باشد. درخواستهای خانم ریکاردا لانگ، رهبر حزب سبزهای آلمان از حاکمیت مبنی بر پس گرفتن حق شهروندی از کسانی که دوتابعیتی هستند و در دفاع از مردم فلسطین اعتراض

میکنند، عملا روی هر فاشیست و نژاد پرست و نازی کهنه کاری را سفید کرده است. در انگلستان وضع به همین صورت است و امروز شال گردنی که در اروپا سمبلیک به عنوان حمایت از فلسطین جوانان میپوشند، ممکن است در خیابان بدلیل چنین لباسی مورد پسر و جوی پلیس قرار بگیرد. در جنگ اوکراین با تبلیغات وسیع رسانه ها سعی کردند روسیه هراسی و روسیه ستیزی را دامن بزنند. سعی کردند ورود ورزشکاران روسی به مسابقات، کنسرتها خوانندگان و موزیسین های روسی را ممنوع و جنایی کنند و امروز در ابعاد وسیعتر این نمایش متعفن و تعرض افسار گسیخته را به پنهان جنگ حماس و در دفاع از جنایت اسرائیل دنبال می کنند.

اینها و دهها مورد این چنین بیان یک تعرض افسار گسیخته در خود غرب و در اروپا به ابتدایی ترین حقوق اولیه و آزادی بیان است. این حقیقت یک بار دیگر ماهیت حاکمیتهای بورژوازی و عمق ضدیت آنها در «آزادترین و متمدن ترین» کشورهای دنیا با کوچکترین ابراز وجود طبقه کارگر و مردم معترض، حق طلب و متمدن را بیان میکند. امروز این حقایق برای هر انسانی که یک بند انگشت عقل سلیم و یک جو شرافت انسانی داشته باشد، عیان میکند که دموکراسی و پایبندی به حقوق انسانی، حقوق بشر و حق شهروندی همه و همه، در ترازوی منافع دولتها و بورژوازی حاکم قرار میگردد و هر جا احساس کنند منافع سیاست آنها چلنج میشود از محمد خان قاجار بیشتر خانه و کاشانه مردم را به توپ می بندند.

اما سرنوشت بشریت را تنها و تنها بورژواها و سخنگوهای آنها در دولت و مجلس، راست و فاشیست و نژادپرستهای قرن ۲۱ تعیین میکنند. آنها با همه انواع و اقسام حاکمیتهای خود در طول تاریخ بی لیاقتی و دشمنی طبقاتی خود را با هر نوع رفاه و آزادیخواهی را با کشتار و نسل کشی، زندان و ترور و ارباب در همه جا به نمایش گذاشته اند. امروز در مقابل توحش نظام کاپیتالیستی صدای دیگری شنیده میشود، صدایی که صدها میلیون انسان به وسعت جهان و در راس آن طبقه کارگر اعلام میکنند که «دیگر بس است». اعلام میکنند این دنیای وارونه برای زندگی به مردابی گندیده و متعفن شبیه است که از سرپایش بوی خون و کثافت، ریا و دروغ و جنایت و توحش می بارد. ما چند میلیارد انسان در کره خاکی، ما طبقه کارگر جهانی و هر کس که به این توحش معترض است میتوانیم و باید بشریت را از توحش و بربریت نظام کاپیتالیستی نجات دهیم. آینده در دستان ما، در تصمیم، در خودآگاهی طبقه کارگر و ایفای نقش کمونیسم این طبقه است. این توحش افسار گسیخته دیگر بس است.

دولت نتانیاهو متقابلاً از این جنگ بیشترین استفاده را در تقویت موقعیت متزلزل خود در داخل اسرائیل، در دامن زدن به نفرت قومی برای تعرض بیشتر به مردم فلسطین، به نام دفاع از خود، و در تقویت نیروهای دست راستی و فاشیست در اسرائیل خواهد کرد.

ضد حمله اسرائیل، به نام «انتقام از حماس»، و بمباران وسیع نوار غزه، کشتار مردم بیگناه، ویرانی مناطق مسکونی، مدرسه، بیمارستان و اردوگاه آوارگان، محاصر کامل نوار غزه و قطع برق، آب، مواد سوختی، نان، دارو و امکانات زیستی از حدود دو میلیون انسان اسیر در این منطقه، تدارک حمله زمینی و اشغال کامل نوار غزه و قتل عام یا آوارگی ساکنین نوار غزه، بی تردید جنایت جنگی علیه مردم فلسطین است. شریک جرم دولت اسرائیل در این جنایت دولتهای غربی اند که با حمایت بی چون چرای خود، با کمکهای نظامی و مالی به دولت اسرائیل، با قطع کمکهای مالی خود به مردم فلسطین، جنایت و مجازات دسته جمعی مردم ساکن نوار غزه، را ممکن کرده اند. شریک جرم دولت اسرائیل رسانه های دست راستی، این دستگاه دروغ پراکنی، در غرب اند که با تبلیغات شنیع خود جنایات دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین را توجیه میکنند و بعنوان بخشی از ماشین جنگی غرب و اسرائیل بر طبل کشتار بیشتر می کوبند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن ابراز انزجار از این توحش و جنایت، چه از جانب اسرائیل و چه از جانب حماس، و محکوم کردن سیاستهای جنگ طلبانه دول غربی و گسیل نیرو به اسرائیل، بشریت متمدن را برای پایان این جنگ و به حمایت از مردم محروم فلسطین و حق آنها برای زندگی امن فرامیخواند و بر مطالبات زیر تاکید میکند.

- آتش بس و پایان فوری جنگ از هر دو طرف!
- پایان فوری محاصره اقتصادی مردم نوار غزه، قطع آب و برق و نان و مواد سوختی!
- ارسال فوری کمکهای داورپی، پزشکی، غذایی و ... به مردم در نوار غزه!
- غیر نظامی کردن فوری منطقه، خروج ناوگانهای امریکا و نیروهای نظامی دول غرب از منطقه!
- ترک فوری اسرائیل از مناطق اشغالی و بازگشت مردم فلسطین به محل کار و زندگی خود و قطع هر نوع تهدید علیه آنها!

اینها اولین قدم در یافتن و ممکن کردن راه حل ریشه ای و پایه ای حل مسئله فلسطین، یعنی برسمیت شناختن دو دولت مستقل اسرائیل و فلسطین، است.

تنها راه پایان دادن به جنگ، کشتار، نسل کشی، ترور، ویرانی و ...، تنها راه قطع سو استفاده دولت اسرائیل، حماس، حزب الله و ... از شکاف میان مردم اسرائیل و فلسطین و پایان نقش جنایتکارانه آنها، تنها راه حل صلح پایدار و پایان تمام مصائب مردم فلسطین تشکیل دو دولت مستقل است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ مهر ۱۴۰۲ - ۵م آکتبر ۲۰۲۳

حمله حماس به اسرائیل، بر خلاف تصویر جعلی دول غربی و حامیان دولت اسرائیل در میدیای دست راستی در غرب، رعد و برقی در آسمان بی ابر نبود. جنگ امروز ادامه جنگی ۷۵ ساله است که در فلسطین و مناطق اشغالی آن در جریان است. جنگی که بانی اصلی آن دولت قومی- مذهبی اسرائیل و حامیان آن در غرب اند. جنگ امروز نتیجه بن بست طرح های دول غربی در «حل» معضل فلسطین و به رسمیت نشناختن حق مردم فلسطین در تشکیل دولت و کشور مستقل خود است. و همزمان حمایت بی چون چرای دولت نژاد پرست اسرائیل علیه مردم بیگناه فلسطین، حمایت و تائید سیاستهای پاکسازی قومی، نسل کشی، تحمیل بیحقوقی مطلق به مردم فلسطین، تائید کشتار، کوچ، آوارگی، بمبارانهای دائمی نوار غزه و قربانی کردن هزاران انسان بیگناه، به نام حق اسرائیل در «دفاع از خود»، است.

این جنگ در عین حال مهر عدم صلاحیت دولتهای غربی در حمایت از مردم فلسطین، سواستفاده از مصائب این مردم برای امتیازگیری و معامله بر سر زندگی امروز و آینده میلیونها آواره فلسطینی در میز مذاکره با اسرائیل و دول غربی، را بر خود دارد.

به بن بست کشیدن حل مسئله فلسطین توسط دولتهای اسرائیل و امریکا، بسته شدن دریچه آینده ای روشن برای مردم فلسطین، زمین گذاشته شدن پرچم ریاکارانه حل معضل فلسطین از طرف دولتهای غربی و معامله بر سر آینده این مردم، حاشیه ای شدن نقش حماس در این معاملات، بر متی سیاستهای فاشیستی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین، ظاهراً فرصت مناسبی بود برای حماس تا به نام دفاع از مردم فلسطین دست به چنین حمله ای بزند. این حمله در این ابعاد و به این گستردگی، علیه یکی از مجهزترین دستگاههای امنیتی-اطلاعاتی و نظامی جهان، فرصتی بود تا حماس اولاً یکبار دیگر خود را بعنوان تنها نیروی «حامی» مردم فلسطین معرفی کند و دوماً جایگاه از دست داده خود را بعنوان نیرویی غیر قابل حذف در مذاکرات و ... مجدداً بدست آورد. هدف از این حمله، برخلاف ادعای حماس نه حملات فاشیستی دولت اسرائیل به مردم فلسطین که کسب مجدد جایگاه از دست رفته حماس در میان مردم نوار غزه و همچنین در معادلات میان قدرتهای منطقه و جهان بود.

آنچه حمله حماس در این دوره را از جنگهای پیشین متمایز میکند، یکی ابعاد و گستردگی این حمله و شکنندگی دستگاه نظامی-امنیتی اسرائیل است، اما دیگری و مهمتر از آن شرایط و توازن قوای جدید در جهان و منطقه است. شرایط جدیدی که تضعیف قدرت آمریکا در سطح جهان و خاورمیانه، پایان دوره بکه تازی این کشور و سیاستهای میلیتاریستی او و متحدینش در جهان، عروج قدرتهای دیگر و شکلگیری دنیایی چند قطبی از مهمترین مختصات آن است. شرایط جدیدی که تقسیم مجدد جهان و سهم قدرتهای جهانی و منطقه ای را روی میز گذاشته است. تضعیف موقعیت اسرائیل در منطقه و بن بست سیاست «اسرائیل محور»، امریکا یکی از نتایج این شرایط جدید است. این امر در کنار اعتراض بشریت متمدن به جنایات اسرائیل و کشتار هر روزه مردم فلسطین، اعتراض به آپارتاید نژادی در اسرائیل و بالاخره خواست حل قطعی مسئله فلسطین و تشکیل دو دولت، شرایطی است که حماس برای بهبود و بازیابی موقعیت تضعیف شده خود از آن بیشترین استفاده را کرده است.

ترسوهای یکبار مصرف...

سران و سردمداران نظام اسلامی آنقدر خنگاند که فکر می کنند با مشتتی ترسو مثل خودشان سر و کار دارند. ثروت و سرمایه ی کلانی که در ایران در دست این نظام است و آقایان بر سر آن خیمه زده اند، دیر یا زود محکوم به تقسیم عادلانه و برابر میان شهروندان است.

کلاه خود را قاضی کنیم می بینیم که حق با میرسلیم و میرسلیم های نظام اسلامی است. این نظام به مرگ گرفته تا به تب راضی شود. اما طبقه کارگری که پرچم حکومتی شورایی را وسط جامعه بالا برده است و مردمی که حکم به آزادی و برابری و رفعت جمهوری اسلامی داده اند، به کم رضایت نمی دهند. اوضاع و احوال امروز بویژه پس از خیزش سراسری پارسال مردم، شرایطی را برای پیشروی طبقه کارگر و کمونیسم در ایران مهیا کرده است که تا درهم کوبیدن قطعی نه فقط جمهوری اسلامی که حکومت سرمایه و نظام سرمایه داری در ایران در ایستگاه دیگری توقف نمی کند.

تاریخ واقعی ایران تازه در حال شکل گیری است. صرف نظر از اختلافات این یا آن جناح بورژوازی در حاکمیت یا در اپوزیسیون، ترس و هراس کل بورژوازی ایران از این موقعیت مناسبی است که برای طبقه کارگر و کمونیسم این طبقه ایجاد شده است. «توقعات مردم را پایین بیاورید» در حقیقت شعار کل بورژوازی ایران برای «نجات میهن» از چنگ مردمی است که برای رفاه و آزادی و عدالت اجتماعی

مهمترین سنگرهای حاکمیت را در شهرها، در محلات کار و زندگی تانکون فتح کرده اند.

جناب میرسلیم و سایر مقامات نظام اگر کمی دوراندیشی به خرج می دادند از الان باید دنبال سوراخ موشی می گشتند. اجلاس سراسری «حزب مؤتلفه» گویا به جای بررسی راه های فرار آقایان «پرتوقع» از مهلکه ی رفاه و معیشت شهروندان، جرقه بر باروت خشم انقلابی مردم آزادی خواه به سمت کاخهایشان زده است.

کلگران کمونیست!

حزب ما، سنگر اتحاد و تشکل

حزب شما است.

حزب را از آن خود کنید!

فاجعه زلزله و همدردی با مردم افغانستان

روز شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲ (هفتم اکتبر ۲۰۲۳) زمین لرزه به قدرت ۶.۳ ریشتر در شمال غرب افغانستان شهر هرات و مناطق وسیعی را به لرزه در آورد، صدها روستا و هزاران ساختمان در این منطقه را به ویرانه تبدیل کرد و هزاران نفر زیر آوار ماندند. دو روز بعد از این فاجعه بزرگ و بعد از چندین پس لرزه، روز دوشنبه ۱۷ مهر نیز زمین لرزه دیگری در این منطقه بوقوع پیوست و بر دامنه این فاجعه انسانی و ویرانی افزود. در اثر این زمین لرزه ها بالغ بر ۲۵۰۰ نفر کشته شده، هزاران نفر زخمی و هنوز زیر آوار منازل و آلودگی های ویران شده با مرگ دست و پنجه نرم میکنند، دهها هزار انسان آواره شده اند و مناطق وسیعی خصوصاً مناطق روستایی تقریباً با خاک یکسان شده است. هنوز آمار دقیق تلفات انسانی در این فاجعه بزرگ بر کسی روشن نیست.

صحنه های دلخراش از ویرانی شهر و روستاها و تلاش مردم با ابتدایی ترین امکانات خود برای نجات عزیزان خود یا بیرون کشیدن اجساد آنان، قلب هر انسانی را بدر می آورد. اکنون دهها هزار انسان، پیر و جوان و کودک در کنار آوار منازل و آلودگی های با خاک یکسان شده خود به امید یاری و کمک همنوعان خود شب و روز را سپری میکنند. این در شرایطی است که علیرغم

ادعای بسیاری از کشورها در کمک به مردم زلزله زده، علیرغم ادعای دولت طالبان در کمک و تلاش همه جانبه برای نجات جان مردم، هیچ نشان جدی ای از کمک های ادعا شده مشاهده نمیشود. مردم محروم در افغانستان بعد از چند دهه جنگ، اشغال، بیماریان، آوارگی و خانه خرابی اکنون چند سال است زیر دست ارتجاع طالبان، که در توافق با آمریکا بر مسند قدرت نشست، نه تنها محرومیت، فقر مزمن، نا امنی، فشار، استبداد اسلامی و ترور و کشتار را تجربه میکنند، که علاوه هیچ چشم امیدی به آینده روشن در انتظارشان نیست. مردم محرومی که در این چند دهه تجربه کشتار و بیماریان و خانه بدوشی و فقر را به تمام معنا چه از طرف پنتاگون و ناتو و چه دولتهای کارتونی فاسد و دزد دست نشانده آنها در افغانستان و چه از طرف دستجات مسلح و جنایتکار محلی چون طالبان را کشیدند، امروز قربانی زلزله و ویرانی بدون کمک و یاری جدی انسانی شده اند. معلوم نیست دولتهایی که به نام دفاع از مردم افغانستان و «مبارزه» با تروریسم، القاعده و طالبان صدها تن بمب بر سر مردم بیگناه افغانستان ریخته و آنرا به ویرانه ای تبدیل کردند، امروز برای کمک به همین مردم زیر آوار مانده، در کدام جهنم هستند. رها کردن مردم محروم در چنین شرایط اسفباری، مایه شرم و ننگ همه دولتهای بزرگ و کوچک جهان با سازمان ملل و همه نهادهای مدعی دفاع از حقوق انسان آنها است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) به مردم محروم افغانستان، به همه خانواده هایی که عزیزان خود را از دست داده اند، تسلیت میگوید و خود را در کنار آنها میدانند. ما ضمن همدردی با مردم محروم تردید نداریم که اگر در این شرایط میزان آوارگی و فرار از افغانستان به ایران بیشتر شود، مردم آزادیخواه ایران با آغوش باز پذیرای خواهران و برادران خود خواهند بود.

حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۹ مهر ۱۴۰۲ - ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳

افغان ستیزی شرم آور!

مهاجرت بخش هایی از مردم افغانستان از دوره اول حاکمیت طالبان، دوران حاکمیت فاسد حامد کرزای و جنگ های داخلی تا بازگشت مجدد طالبان به قدرت، مداوماً و بصورت گسترده ادامه داشته است. بخش بزرگی از این مهاجرت به ایران که مرز مشترک طولانی با افغانستان دارد، صورت گرفته است.

علاوه بر مصیبتی که مردم افغانستان در نتیجه چند دهه حاکمیت مرتجعین مذهبی و قومی و فرقه ای و نزاع هایشان بر سر تقسیم قدرت و ثروت، متحمل شده اند، برخورد حکام در ایران، بیحقوقی محض مهاجرین و وادار کردن پناهندگان افغانستانی به کارهای سخت با دستمزد ناچیز، کودکان بدون شناسنامه ی خانواده ها، تا سازماندهی در لشکر فاطمیون و اعزام به جنگ در سوریه با وعده پول و بخشیدن اقامت در ایران... و اخیراً ادعای پناه دادن صوری مهاجرین افغان برای فرزند آوری و رشد جمعیت به سبک جمهوری اسلامی... همه با هم سناریوهای به شدت ضد انسانی و سوء استفاده از موقعیت اسفناک و تحقیر و اهانت آمیز به این مردم بوده است.

این که حکام ایران و کارفرماهای ضد کارگر چه بلایی سر این زحمتکش گرسنه و بی پناه آورده و می آورند، چیز تعجب آوری نیست. از نظام تبهکار جمهوری اسلامی بیش از این انتظار نرفته و می رود. اما دردناک تر است وقتی بخشی از مردم عقبمانده و ناسیونالیست ها و فاشیست های آریایی، تعرض ضد انسانی ای را شروع و صفحات مجازی را از تحقیر و اهانت به این مردم پر کرده و بر این فاجعه انسانی و این زخم عمیق بر جان و روان زنان و مردان و کودکان مردم فراری از طالبان نمک می پاشند.

این خیل مرتجع، باید از خود بپرسند که چه تفاوتی با طالبان دارند و چه تفاوتی با جمهوری اسلامی ضد بشر دارند!؟

بخش بزرگی از کارگران کردستان تجربه ی کار در شهرهای ایران از جمله تهران و دماوند در کار ساختمان سازی و بنادر جنوب دارند. این کارگران مهاجر بارها تنه شان به تنه ی کارگران مهاجر افغانستان خورده و همچنان برادران طبقاتی خود با ان ها رفتار کرده و چه بسا در ساختمان های نیمه ساز و سر پناه های پوشیده با نایلون، کنار هم کار و زندگی کرده اند. طبعاً کسانی که حملات ضد انسانی ای را به مهاجرین افغانستانی شروع کرده اند، از فرهنگ انسانی و برابر و طبقاتی کارگران ایران بی بهره اند. مهاجرین افغانستانی نه جایی را به کسی تنگ کرده و نه نانی از سفره کسی کم می کنند. آمده اند تا به سخت ترین و کم بهاترین مزد در شهرداری ها و صنایع ساختمان کار سخت و طاقت فرسایی را تحمل کنند و گرسنه بمانند.

طبقه کارگر ایران به هم طبقه ای های افغانستانی خود خوشامد می گوید، ان ها را ارج می نهد و آغوششان به روی این محرومان و ستمدیدگان باز است. طبقه کارگر و انسان های آگاه جامعه ی ایران تحت حاکمیت جهل و دین و سرمایه همان زخمی را بر بدن دارند که همسرنوشتان افغانستانی شان در حاکمیت وحوش مرتجع طالبان. این همدردی و همسرنوشتی مایه دلگرمی زنان و مردان و کودکان مهاجر افغانستانی است.

طبقه کارگر آگاه جهان مرز ندارند و از هر گونه تفرقه و تحقیر و اهانت به همسرنوشتان خود در هر کجای دنیا متنفر و بیزارند. وجدان های کرم خورده ی ناسیونالیست ها و فاشیست های ایرانی داخل و خارج باید از رفتار و برخوردشان به مهاجرین فراری از طالبان و از جنگ و فقر و گرسنگی شرم کنند. کارگران در کردستان همدوش با طبقه کارگر ایران با آغوش باز از حضور کارگران مهاجر افغانستانی استقبال می کنند!

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)
مهر ماه ۱۴۰۲ - اکتبر ۲۰۲۳

سایت مجموعه آثار منصور حکمت

<http://hekmat.public-archive.net>

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena